

The Strict Liability for Damages Resulting from Inventions in Iranian and Common Laws

Seyed Ali Khazaei^{1*}, Yousef Khalaj²

1. Assistant Professor, Faculty of Law & Political Science, Kharazmi University, Tehran, Iran
2. Ph.D. Student, Faculty of Law & Political Science, Kharazmi University, Tehran, Iran

(Received: April 5, 2021 ; Accepted: August 1, 2021)

Abstract

Inventions are important factors of economic development and society welfare ; however, they may cause damage to consumers or production inputs due to their imperfection or incompleteness, during mass production or in the stage of their use. Irrespective of goods harmful act due to his presence as one of the causes of loss. In Iranian law, there has been no specific study of the prospective liability for inventors, while examining their liabilities seem necessary. With regard to the industrial and technical complexities in this field, it is difficult to apply the principles of contractual liability or traditional principles of non-contractual liability such as fault, and considering the interests of society and consumers of new inventions, a strict liability for inventors is preferred as it is applicable to defective goods. At present, in Common law, lawsuits against inventors due to patent imperfections are examined based on liability for defective goods. In Imamiah jurisprudence, by invoking some jurisprudential principles such as "Al Ghunm Bil Ghurm" (one can claim profit only if one is ready to take liability), the burden of liability can be placed on the inventors without the need to prove fault.

Keywords

strict liability, inventor, invention defect, fault.

* Corresponding Author, Email: khazaei@khu.ac.ir

مسئولیت محض ناشی از زیان‌های وارده از اختراعات در حقوق ایران و کامن‌لا

سید علی خزائی^۱، یوسف خلج^۲

۱. استادیار، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه خوارزمی، تهران، ایران
۲. دانشجوی دکتری، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه خوارزمی، تهران، ایران

(تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۰۱/۱۶ - تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۰۵/۱۰)

چکیده

بدیهی است که اختراعات از مشخصه‌ها و عوامل مهم توسعه اقتصادی و رفاه جامعه به شمار می‌روند. با وجود این، ممکن است به واسطه معیوب یا ناقص بودن در زمان تولید انبوه یا در مرحله به‌کارگیری آن‌ها خساراتی به مصرف‌کننده یا عوامل تولید وارد شود. صرف‌نظر از مسئولیت تولیدکنندگان کالاها و خدمات، مخترع نیز، به دلیل حضور در طول اسباب وقوع زیان، می‌تواند جزء مسئولان فعل زیان‌بار به شمار آید. در حقوق ایران تا کنون مطالعه مستقلی درباره مسئولیت احتمالی مخترعان صورت پذیرفته است؛ درحالی‌که بررسی مسئولیت آن‌ها ضروری به نظر می‌رسد. با توجه به پیچیدگی‌های صنعتی و فنی در این حوزه، به‌کارگیری مبانی مسئولیت قراردادی یا مبانی سنتی مسئولیت خارج از قرارداد، مانند تقصیر، دشوار است و با در نظر داشتن ضرورت رعایت مصالح و منافع جامعه و مصرف‌کنندگان اختراع جدید بهتر است نظام مبتنی بر مسئولیت محض، به همان ترتیب که امروزه در تولید کالای معیوب اعمال می‌شود، در رابطه با مخترعان هم مورد توجه قرار گیرد. در حال حاضر، در کامن‌لا به دعاوی علیه مخترعان در اثر نقص اختراعات بر اساس مسئولیت ناشی از عیب کالا رسیدگی می‌شود. در فقه امامیه، با استناد به برخی قواعد فقهی، از جمله «من له الغنم فعيله الغرم»، می‌توان بار مسئولیت را بدون نیاز به اثبات تقصیر بر عهده مخترعان قرار داد.

کلیدواژگان

تقصیر، عیب اختراع، مخترع، مسئولیت محض.

مقدمه

اختراع، در دنیای کنونی، اهمیتی فوق‌العاده پیدا کرده است. زیرا، ضمن برطرف کردن مشکلات و مسائل روزمره افراد جامعه، رفاه بیشتری برای آن‌ها فراهم می‌کند. به گواه تاریخ انقلاب صنعتی، با وجود همه محاسنی که برای نوآوری‌ها و اختراعات متصور است، به دنبال به‌کارگیری محصولات و ابداعات جدید، تا مرحله تکامل و اصلاح آن‌ها، خسارت‌های جسمی و مالی فراوانی به بار آمده است (Kimball 1981: 803). تصویب قوانین مختلف به منظور حمایت از مصرف‌کنندگان در مقابل تولیدکنندگان کالاها و خدمات معیوب و برقراری استانداردهای مختلف برای کالاها و خدمات و مقرراتی از این قبیل در نظام حقوقی اغلب کشورها و از جمله ایران حکایت از اهمیت ابعاد مختلف این موضوع دارد.

حقوق مسئولیت مدنی می‌تواند در ایجاد تعادل و توازن میان خسارت‌های ایجادشده در این زمینه و کارآمدتر کردن ابداعات و اختراعات جدید نقش مهمی ایفا کند. پرسش مقاله حاضر این است که آیا می‌توان در کنار تولیدکنندگان و عرضه‌کنندگان و فروشندگان کالاها و خدمات معیوب مخترعان را، که محصولات یادشده بر اساس ایده‌های نوآورانه آن‌ها تولید شده‌اند، نیز بدون نیاز به اثبات تقصیر مسئول خسارات وارده به مصرف‌کنندگان دانست؟ گفتنی است بحث تفصیلی در رابطه با قلمرو مسئولیت مدنی، که شامل اشخاص مسئول و حدود مسئولیت آنان، اعم از مسئولیت تضامنی یا اشتراکی، است نیاز به بررسی مستقل دارد و در این مقاله به این موضوعات پرداخته نشده است.

در صورتی که میان مخترع با کاربران یا استفاده‌کنندگان از اختراع رابطه قراردادی، اعم از اعطای مجوز بهره‌برداری یا انتقال حق اختراع، وجود داشته باشد و ضرری از مورد معامله به طرف قرارداد وارد شود، مبانی مسئولیت قراردادی یا شروط صحیح مندرج در قرارداد برای توجیه مسئولیت کفایت می‌کند و احراز ارکان مسئولیت، صرف‌نظر از اختراعات پیچیده، با دشواری خاصی روبه‌رو نخواهد بود. اما باید توجه داشت که همواره میان مخترعان با کاربران یا استفاده‌کنندگان از محصولات یادشده رابطه قراردادی وجود ندارد. بنابراین، در این فرض، اعمال ضوابط و مقررات مربوط به مسئولیت قراردادی منتفی به نظر می‌رسد و باید به مبانی مسئولیت

خارج از قرارداد رجوع کرد. بنابراین، پرسش یادشده در رابطه با اعمال مسئولیت محض در مورد مخترعان محصولات معیوب مطرح می‌شود.

در نظام حقوقی کامن‌لا رویه قضایی و دکترین حقوقی، پس از فراز و نشیب بسیار، در نهایت، مسئولیت محض تولیدکنندگان کالاهای معیوب را پذیرفته است و در واقع اثبات تقصیر را برای اعمال مسئولیت ضروری نمی‌داند. در این نظام حقوقی، به‌رغم وجود اختلاف‌نظرهای فراوان، نظام مبتنی بر مسئولیت محض در مورد مسئولیت مخترعان نیز پذیرفته شده است؛ هرچند اعمال آن به شرط رعایت مصالح و منافع جامعه مجاز شمرده شده است. در حقوق ایران، رویه قضایی منسجمی در این رابطه وجود ندارد. در وهله نخست، به نظر می‌رسد به‌رغم ابهامات و اختلاف‌نظرهای موجود در زمینه مبنای برقراری مسئولیت در قانون حمایت از حقوق مصرف‌کنندگان، مصوب ۱۳۸۸، بتوان ضوابط مسئولیت در قانون یادشده را در ارتباط با مخترعان نیز قابل اعمال دانست؛ اگرچه فقدان مقررات صریح در این رابطه ضرورت اعمال قواعد عمومی و اصول کلی مسئولیت مدنی (ضمان قهری) را به ذهن متبادر می‌کند.

در این پژوهش، با عنایت به اینکه بررسی چگونگی اعمال مسئولیت محض در ارتباط با مخترعان به شناخت فعل زیان‌بار در این موضوع بستگی دارد، ابتدا مفهوم عیب اختراع و برخی مصادیق آن و سپس مبنای افزودن مخترعان به سایر اشخاص مسبب و مسئول جبران خسارت مطالعه شد. در نهایت، مبنای برقراری مسئولیت محض به صورت تطبیقی در حقوق ایران و کامن‌لا بررسی شد.

مفهوم عیوب اختراع و برخی مصادیق آن

قانون مدنی ملاک تشخیص عیب در معامله را به عرف و عادت واگذار کرده و آن را وابسته به زمان و مکان دانسته است (ماده ۴۲۶ قانون مدنی). بند ۴ ماده ۱ قانون حمایت از حقوق مصرف‌کنندگان، مصوب ۱۳۸۸، کاهش ارزش اقتصادی کالا یا خدمات را ملاک تشخیص عیب دانسته است. باید توجه داشت که این مفهوم می‌تواند در معاملات کاربرد داشته باشد؛ اما در مسئولیت مدنی کارایی لازم را ندارد (حکمت‌نیا و همکاران ۱۳۹۸: ۲۴۰). زیرا در مسئولیت مدنی محاسبه قیمت محصول مدنظر نیست؛ سلامت و ایمنی کالا مهم است. در ماده ۳ قانون حمایت از

مصرف‌کنندگان خودرو، مصوب ۱۳۸۶، عیب به شکل مناسب‌تر تعریف شده است. در این قانون، عیب شامل هر گونه نقص در طراحی و مونتاژ و تولید و حمل است.

در کامن‌لا، معیارهای گوناگونی برای شناسایی و تشخیص عیب کالا یا محصول در نظر گرفته شده است. مثلاً، در حقوق انگلستان، بر مبنای قانون حمایت از مصرف‌کنندگان، مصوب ۱۹۸۷ میلادی، کالا را زمانی می‌توان معیوب دانست که انتظارات متعارف مصرف‌کننده را برطرف نکند و از این طریق موجب خسارت کاربر شود (Trevelyan 2021: 2). در حقوق امریکا، در قسمت «ب» ماده ۲ اعلامیه سوم مسئولیت مدنی^۱، عیب کالا یا محصول نقص در مرحله طراحی کالا و تولید و اجرای طرح یا عدم ارائه دستورالعمل و هشدار کافی برای اجتناب از بروز خطر احتمالی تعریف شده است (Simmons 2009: 9). مفهوم اخیر در حقوق ایران نیز قابل پذیرش و اجراست. زیرا قانون مدنی^۲ تعیین مصادیق عیب را به عرف و عادت ارجاع داده است و موارد یادشده، به طور متعارف، می‌توانند از مصادیق عیب یا نقص محصول یا خدمات به شمار آیند. مفهوم عیب، در پژوهش حاضر، مبتنی بر تعریفی است که در قانون مدنی آمده و با تعریف آن در کامن‌لا نسبتاً تطابق دارد.

منظور از اختراع در این مطالعه هر گونه نوآوری و ابداع در فرایندها و محصولات است. گفتنی است مصادیق قابل حمایت دیگر در مالکیت صنعتی- از جمله دانش فنی، طرح‌های صنعتی^۳، مدل‌های مصرفی، اسرار تجاری^۴ - از نظر حکم مسئولیت مدنی مشمول موضوع اختراع‌اند.

با توجه به مفاهیم بیان‌شده، منظور از عیوب اختراع نقص یا ایراد یا اشکالی است که در هر گونه ابداع وجود داشته باشد به نحوی که اجرا یا به‌کارگیری آن موجب ورود زیان به کاربر شود.

1. Restatement Third of Torts (1998).

۲. به موجب ماده ۴۲۶ قانون مدنی، «تشخیص عیب بر حسب عرف و عادت می‌شود و بنابراین ممکن است بر حسب ازمنه و امکانه مختلف شود».

۳. مفهوم و شرایط حمایت از طرح‌های صنعتی در مواد ۲۰ به بعد قانون ثبت اختراعات، طرح‌های صنعتی، و علائم تجاری مصوب ۱۳۸۶ آمده است.

۴. با عنایت به تعریف اسرار تجاری در ماده ۶۵ قانون تجارت الکترونیکی، اختراع نیز تا زمانی که ثبت و افشا نشده باشد می‌تواند به عنوان اسرار تجاری مورد حمایت قرار گیرد.

تعیین ضابطه برای اختراع معیوب، با توجه به فقدان تعریف قانونی از آن، باید از طریق عرف صورت پذیرد و به صورت نوعی در حیطه و موضوع تخصصی اختراع مدنظر قرار گیرد (Reutiman 2012: 198-200).

با در نظر داشتن مفهوم ارائه‌شده، عیوب اختراع مصادیق مختلفی خواهد داشت که جهت تبیین بیشتر موضوع به برخی از پرونده‌هایی که در این خصوص مطرح شده‌اند اشاره می‌شود. یک طراح و سازنده دستگاه برش چوب، که دارای حق انحصاری طراحی و ابداع دستگاه یادشده بوده، قطعه‌ای را برای محافظت از دست کاربر هنگام کار با دستگاه تعبیه می‌کند. اما یکی از خریداران، که قطعه محافظ را مانع کار بهینه با دستگاه می‌بیند آن را از دستگاه جدا می‌کند و حین کار سه انگشت دستش قطع می‌شود (Prosser 1997: 300). در این پرونده، دفاع طراح و سازنده دستگاه یادشده، مبنی بر اینکه محافظ دستگاه توسط خود زیان‌دیده برداشته شده و خود او عامل زیان است، پذیرفته نشد و دادگاه اعلام کرد چون اختلال وسیله ایمنی هنگام استفاده بهینه‌تر از دستگاه قابل پیش‌بینی بوده سازنده باید امکان برداشتن آن را مدنظر قرار می‌داد^۱ و چون هشدار کافی ناشی از برداشتن آن قطعه نیز داده نشده و محصول نیز طوری طراحی نشده که امکان جدا کردن آن قطعه نباشد، طراح و سازنده دستگاه مسئول جبران خسارت بر اساس مسئولیت محض است (Prosser 1997: 301).

یک پزشک وسیله‌ای جدید برای ثابت نگه داشتن سر بیمارانی که در سانحه تصادف آسیب می‌بینند اختراع می‌کند.^۲ احتمال ورود آسیب به بیماران در اثر به‌کارگیری این وسیله در مجموع دو درصد بوده؛ درحالی‌که با وسیله‌های دیگر برای درمان مورد اشاره احتمال آسیب به بیماران حدود پنج درصد بوده است. استفاده از این وسیله جدید باعث می‌شود بیمار آسیب بیشتری ببیند.^۳ در این

1. Magadan v. Interlake Packaging Corp.

۲. در حقوق ایران، طبق بند «ج» ماده ۴ قانون ثبت اختراعات، طرح‌های صنعتی، و علائم تجاری، مصوب ۱۳۸۶، روش‌های تشخیص و معالجه انسان و حیوان قابل ثبت به عنوان اختراع نیست؛ لیکن تجهیزات پزشکی قابل ثبت‌اند. در خصوص حدود و تفسیر روش‌های تشخیص بیماری در حقوق ایران و کنوانسیون اروپایی ثبت اختراعات اختلاف نظر وجود دارد (جعفرزاده و همکاران ۱۳۹۵: ۱۶۴).

3. Tunkl v. Regents of Univ. of Cal., 383 P.2d 441 (Cal. 1963).

پرونده، دادگاه، به‌رغم اینکه پزشک یادشده راه‌حل بهتری ابداع کرده بود، با استناد به غیرمتعارف بودن وسیله درمان، او را به پرداخت خسارت به بیمار آسیب‌دیده محکوم کرد (Stein 2008: 289). در پرونده‌ای خواننده دعوا چهارپایه‌ای را اختراع کرده بود که خواهان زمان به‌کارگیری از روی آن لیز می‌خورد و متحمل آسیب جسمی می‌شود. ارتفاع و فاصله پله‌های چهارپایه یادشده به‌طور غیرمتعارف زیاد و احتمال سقوط هنگام استفاده از آن بالا بوده است.^۱ در این پرونده، به‌رغم رأی دادگاه بدوی مبنی بر عدم مسئولیت مخترع، دادگاه تجدیدنظر اعلام کرد چهارپایه یادشده خطر نامتعارفی داشته است و آگاهی خواهان از خطر احتمالی نیز رافع مسئولیت سازنده نمی‌شود. بنابراین حکم به مسئولیت طراح چهارپایه صادر شد (Lloyd 1951: 496).

در پرونده‌ای خواننده فرایند تولید بنزین را به عنوان اختراع ثبت و سپس امتیاز آن را واگذار و دستورالعمل‌های لازم را نیز منتقل کرده بود. کارگران زمان به‌کارگیری آن تحت تأثیر گاز کشنده خروجی از کاتالیست قرار می‌گیرند و آسیب می‌بینند. آسیب‌دیدگان علیه صاحب اختراع برای جبران خسارات وارده دعوا مطرح می‌کنند.^۲ جدای از ایرادات و عیوب فرآورده یا فرایند ثبت‌شده به عنوان اختراع، که می‌تواند مبنای طرح دعوا قرار گیرد، صاحبان اختراع باید زمان انتقال یا واگذاری حق استفاده اطلاعات و دستورالعمل‌های لازم را نیز به نحو صحیح و کامل به منتقل‌الیه انتقال دهند و امکان دسترسی او را به موارد ضروری فراهم سازند؛ در غیر این صورت، این موضوع نیز می‌تواند مبنای مسئولیت آنان به شمار رود. همچنین است ناقص یا مبهم بودن دستورالعمل یا اطلاعات لازم جهت بهره‌برداری یا تولید محصول مورد نظر که می‌تواند عیب محسوب شود و برای صاحبان حق اختراع مسئولیت به بار آورد (Weber 1992: 469).

یکی از پرونده‌های مهم در این خصوص پرونده‌ای است که در سال ۱۹۹۶ مطرح شد. شرکت فایراستون سال‌ها پیش چرخی را طراحی کرده بود که بعدها شرکت کلسی هایز آن را به عنوان تایرهای تیوبلس مورد استفاده قرار داد. در یکی از بارگیری‌ها، که در خودرو از تایرهای تولید کلسی هایز استفاده شده بود، تایر می‌ترکد و منجر به مرگ مصرف‌کننده می‌شود. در دعوای

1. Horton V. London Graving Dock, 1950.

2. Nellie Mae Marker, Administratrix of the Estate of Donald Orvel Marker, v. Universal Oil Products Company, 1957.

مطروحه از سوی ورثه شرکت فایراستون نیز، به استناد بی‌احتیاطی و مسئولیت محض و مسئولیت اشتراکی، خوانده قرار گرفت.^۱ در این پرونده، دادگاه بدوی به محکومیت شرکت فایراستون به عنوان صاحب اختراع رأی داد. اما دادگاه پژوهش، به علت اینکه کلسی هایز از فایراستون حق امتیاز نگرفته و بدون اجازه او از اختراع یادشده استفاده کرده و محصول تولید نهایی نیز با اختراع ثبت‌شده متفاوت بود، رأی دادگاه بدوی را نقض کرد. البته یکی از قضات دادگاه تجدیدنظر (قاضی اینانچ) با این نظر مخالف بود. او اظهارنظر کرد که طراح اصلی چرخ فایراستون بوده و نباید به این دلیل که در تولید نقش نداشته مسئول دانسته نشود و چون طرح را آزمایش نکرده نباید در قبال مسئولیت مصونیت داشته باشد (318: 2000 uss).

پس از بررسی شرط نخست برقراری مسئولیت محض، که وقوع و وجود فعل زیان‌بار در اینجا نقص یا عیب اختراع است، یکی دیگر از شرایط مهم طرح مسئولیت مخترعان احراز رابطه سببیت است. در واقع باید محرز شود که بین ضرر و اختراع معیوب رابطه سببیت وجود دارد و ضرر از اختراع ناشی شده است. اثبات رابطه سببیت با زیان‌دیده است و او باید ثابت کند که بین اختراع ایجاد ضرر رابطه علت و معلولی وجود دارد. البته گاهی خواننده دعوا ناچار می‌شود برای اثبات عدم دخالت خود دلیل بیاورد. زیرا در برخی موارد همین که زیان‌دیده وقوع کاری را که به طور معمول از طرف خواننده انجام می‌شود اثبات کند دیگر نیازی به ثابت کردن انتساب آن به خواننده ندارد. باید توجه داشت در مواردی که تقصیر شرط ایجاد مسئولیت نیست رابطه سببیت اهمیت بیشتری پیدا می‌کند و اثبات وجود آن نیز دشوارتر می‌شود. برعکس، در مواردی که تقصیر از ارکان مسئولیت به شمار می‌رود رابطه سببیت اهمیت خود را از دست می‌دهد و فقط به حوادثی توجه می‌شود که زیان به بار آورده است. زیرا این تصور عمومی وجود دارد که تقصیر سبب بروز زیان شده است. به غیر از مواردی که زیان فوراً و مستقیماً به فعل یا رفتار زیان‌بار متصل نیست یا اسباب دیگری نیز در بروز زیان دخالت دارند، رابطه سببیت واضح و آشکار به نظر می‌رسد (خزائی ۱۳۹۵: ۱۱۳).

احراز رابطه سببیت بین اختراع و وقوع زیان در فروض مختلف قابل بررسی است. در فرض اول مخترع به‌شخصه مبادرت به تولید یا اجرای اختراع می‌کند. در فرض دوم مخترع مجوز

1. Firestone Steel Products Co. v. Barajas, 927 S.W.2d 608 (Tex. 1996).

بهره‌برداری از اختراع را به دیگری منتقل می‌کند و گیرنده مجوز به تولید کالا یا اجرای فرایند آن مبادرت می‌ورزد. در فرض سوم مخترع حق اختراع را کاملاً به غیر منتقل می‌کند. در فرض چهارم مخترع برای شرکت یا کارخانه‌ای کار می‌کند و اختراع ناشی از استخدام یا قرارداد است و حقوق مادی اختراع متعلق به کارفرماست (بند «ه» ماده ۵ قانون ثبت اختراعات، طرح‌های صنعتی، و علائم تجاری، مصوب ۱۳۸۶).

در فرض نخست که مخترع، خود، مجری اختراع است و در واقع خود او تولیدکننده محسوب می‌شود مصرف‌کنندگان با مانع مهمی در اثبات رابطه سببیت روبه‌رو نیستند. زیرا سبب دیگری بین محصول معیوب و زیان وارده موجود نیست و مسئولیت محض تولیدکننده نیز مورد پذیرش قوانین و رویه قضایی است.

در فرض دوم که مخترع اجازه بهره‌برداری را به شخص دیگری می‌دهد و مالکیت او در اختراع باقی می‌ماند سه حالت قابل تصور است:

الف) گاهی در قرارداد واگذاری اجازه بهره‌برداری، به درخواست دریافت‌کننده مجوز، مخترع متعهد می‌شود مسئولیت جبران خسارات احتمالی وارده به اشخاص ثالث را بر عهده بگیرد (Mittal 2011: 137). این شرط در واقع تعهد به نفع شخص ثالث است که در کاملاً پذیرفته شده و در حقوق ایران نیز، به استناد بخش اخیر ماده ۱۹۶ قانون مدنی، قابل پذیرش به نظر می‌رسد. در این حالت، با توجه به پذیرش مسئولیت قراردادی توسط مخترع، موضوع رابطه سببیت چندان قابل طرح نیست. زیرا در این صورت تعهد قراردادی برای جبران خسارات وارده وجود دارد.

ب) گاهی در قرارداد واگذاری اجازه بهره‌برداری، در رابطه با مسئولیت خسارات ناشی از اختراع، میان مخترع و دریافت‌کننده مجوز، شرط خاصی وجود ندارد. در این حالت، طبق قواعد کلی و در صورت احراز رابطه سببیت بین عیب اختراع و زیان وارده، مسئولیت مخترع در مقابل اشخاص ثالث زیان‌دیده باقی خواهد بود (ساعی ۱۳۹۳: ۱۸).

پ) گاهی در قرارداد واگذاری اجازه بهره‌برداری، شرط کاهش مسئولیت یا عدم مسئولیت مخترع گنجانده می‌شود. در این حالت، صرف‌نظر از اصل نسبی بودن قرارداد و عدم تأثیر این شروط در رابطه با اشخاص ثالث، با عنایت به مقررات مربوط به خطای محض در قانون مجازات

اسلامی (از جمله بند «پ» ماده ۲۹۲ قانون یادشده، مصوب ۱۳۹۹) و خلاف نظم عمومی بودن شرط یادشده، می‌توان گفت حداقل در زمینه خسارات و آسیب‌های جسمی و بدنی و خسارات مالی سنگین، شرط یادشده معتبر و قابل استناد نیست. در خصوص ضرر و زیان مالی، باید توجه داشت که برخلاف وضعیت موجود در علائم تجاری که در ماده ۴۴ قانون ثبت اختراعات، طرح‌های صنعتی و علائم تجاری، مصوب ۱۳۸۶، ليسانس‌دهنده (صاحب علامت تجاری) یا اجازه دهنده بهره‌برداری را موظف به کنترل مؤثر بر کیفیت و مرغوبیت کالا و خدمات نموده، در مقررات مربوط به اختراع چنین تکلیفی لحاظ نشده است. با این حال، عدم ارائه اطلاعات کامل و یا هشدارهای کافی از سوی مخترع، می‌تواند عاملی جهت وقوع خسارت به اشخاص ثالث در نتیجه تولید کالا یا محصول یا فرایند معیوب به شمار آید و رابطه سببیت را بین ترک فعل مخترع و وقوع زیان، برقرار کند (Buss 2010: 319).

در فرض سوم که مخترع حقوق خود در زمینه اختراع را به طور کامل منتقل کرده است دو حالت قابل تصور است:

الف) گاهی در قرارداد انتقال حق اختراع، به درخواست انتقال‌گیرنده حق اختراع، مخترع متعهد می‌شود مسئولیت جبران خسارت احتمالی وارده به اشخاص ثالث را بر عهده بگیرد. در واقع، انتقال‌گیرنده حق اختراع بدین وسیله می‌خواهد کارآمدی و سلامت اختراع را به نوعی تضمین کند. بنابراین، در قرارداد یادشده نیز این شرط قابل پذیرش است.

ب) گاهی در قرارداد انتقال حق اختراع، در رابطه با مسئولیت خسارات ناشی از اختراع، میان مخترع و خریدار حق اختراع شرط خاصی وجود ندارد. در این حالت، ممکن است گفته شود، با عنایت به قطع رابطه مالکانه با اختراع، مخترع را نمی‌توان مسئول قلمداد کرد. چون رابطه سببیت بین او و زیان وارده قابل احراز نیست (رجبی ۱۳۹۸: ۴۵۷).

این حالت فرض چهارم را نیز دربرمی‌گیرد که مخترع رابطه قراردادی یا استخدامی با کارفرما دارد و اختراع متعلق به کارفرماست. البته باید پذیرفت که اسناد عقلی زیان به مخترع وجود دارد. چون اگر او اختراع را ابداع نمی‌کرد زیانی نیز به وقوع نمی‌پیوست (Kimball 1981: 822). اما آیا از نظر اصول و قواعد حقوقی نیز می‌توان مخترع را مسئول قلمداد کرد؟ در واقع، بر چه مبنایی

می‌توان مخترع را مسئول زیان به‌بارآمده ناشی از به‌کارگیری اختراعی دانست که حقوق آن به طور کلی واگذار شده است؟ یعنی احراز رابطه سببیت در این فرض با اشکال مواجه می‌شود. شاید گفته شود با توجه به مالکیت و انتفاعی که مخترع از اختراع به دست می‌آورد اصولاً باید مسئولیت خطرات احتمالی آن را نیز بر عهده داشته باشد. در کامن‌لا، همان‌طور که توضیح آن می‌آید، وجود محصول خطرناک یا معیوب برای احراز رابطه یادشده کفایت می‌کند (Norris 1979: 118). در فقه احراز رابطه سببیت در این موضوع می‌تواند با استفاده از قاعده «من له الغنم فعلیه الغرم» انجام گیرد که بر اساس آن هر کس از منافع چیزی بهره‌مند می‌شود باید زیان‌های آن را نیز بر عهده بگیرد (المصطفوی ۱۳۹۰ ق: ۲۸۳).

نکته‌ای که لازم است در این فرض بدان توجه شود آن است که مخترعان هیچ‌گونه رابطه حقوقی با کاربران و مصرف‌کنندگان محصولی که منجر به خسارت شده است ندارند. از سوی دیگر در قوانین و مقررات مربوط به اختراعات در کشور ایران و در کامن‌لا (Cowan 1982: 90) هیچ تکلیف یا وظیفه‌ای مبنی بر لزوم رعایت ایمنی و بی‌خطر کردن اختراع وجود ندارد و در نتیجه مسئول دانستن مخترع در فرض واگذاری حق اختراع کمی دشوار به نظر می‌رسد. البته عرف می‌تواند به منزله یکی از منابع حقوق در اینجا نقش مهمی ایفا کند و تکلیف رعایت احتیاط و جوانب ایمنی را بر عهده مخترع بگذارد (Stein 2008: 286).

نباید چنین پنداشت که همیشه اجرا یا به‌کارگیری اختراع موجب ورود خسارت به مصرف‌کننده یا کاربر می‌شود. در مواردی ممکن است عیب اختراع قابل اجرا نبودن آن باشد. در واقع ممکن است، پس از واگذاری اجرا یا تولید اختراع به شخص دیگر، انتقال‌گیرنده هنگام اجرا متوجه شود که به دلیل ناکافی بودن اطلاعات یا عیب فنی اختراع قابل اجرا نیست. این موضوع به‌خصوص در کشورهایی مانند ایران^۱ یا فرانسه (Imanishi 2006: 186)، که بررسی ماهوی برای

۱. تا قبل از تصویب قانون ثبت اختراعات در سال ۱۳۸۶، سیستم ثبت اختراع در ایران طبق ماده ۲۶ قانون سال ۱۳۱۰ شیوه اعلامی بود. اما در ماده ۱۳ قانون جدید و ماده ۲۸ آیین‌نامه آن، به اداره ثبت اختراع اختیار بررسی ماهوی واگذار شده و نظریه مراجع تخصصی در رابطه با وجود شرایط لازم برای ثبت اختراع مشورتی دانسته شده است. بنابراین، اداره ثبت اختراع، ضمن اخذ نظریه مراجع تخصصی، بررسی‌ها را انجام می‌دهد و بر اساس نظر کارشناس خود و مراجع

ثبت اختراع از جانب مراجع ذیصلاح الزامی نیست، متداول‌تر است. بنابراین، مصادیقی از این قبیل نیز ممکن است طرف دعوا قرار دادن مخترع را ایجاب کند (Kimball 1981: 808)؛ ضمن اینکه در مواردی که مخترع مجوز بهره‌برداری از اختراع را به دیگری واگذار کرده است و در مراحل اولیه اجرا، به واسطه معیوب بودن اختراع، انتقال‌گیرنده متحمل زیان مالی یا جانی شده باشد، صرف‌نظر از مواردی که قرارداد این‌گونه امور را پیش‌بینی کرده باشد، صرفاً علیه مخترع امکان طرح دعوای مسئولیت مدنی وجود دارد (Imanishi 2006: 187). زیرا سبب دیگری که بتوان زیان را به او استناد داد وجود ندارد.

در مواردی ممکن است مخترع همراه تولیدکننده یا عرضه‌کننده کالا یا محصول معیوب به صورت هم‌زمان خواننده قرار گیرد. طبیعی است که درآمد مخترع از واگذاری اختراع با عایدی تولیدکنندگان کالا یا محصول قابل مقایسه نیست. بنابراین، از آنجا که افزودن به خوانندگان دعوا منابع مالی جبران زیان را افزایش می‌دهد، قرار دادن مخترع در کنار تولیدکنندگان و عرضه‌کنندگان کالا یا محصول معیوب جبران کامل خسارت را تسهیل می‌کند. زیرا موجب می‌شود خوانندگان علیه یک‌دیگر اظهارات یا دفاعیاتی مطرح کنند که خواهان را در اثبات دعوا یاری رساند (Kimball 1981: 811). به علاوه، در برخی موارد ممکن است زیان‌دیده از کارکنان و کارمندان تولیدکننده باشد و امکان طرح دعوا علیه تولیدکننده را به دلیل شرط قراردادی نداشته باشد و مخترع تنها کسی باشد که امکان طرف دعوا قرار دادن او وجود داشته باشد^۱ (Buss 2010: 317). نیز، ممکن است حجم خسارات وارده به قدری گسترده باشد که خوانندگان معمولی دعوا قادر به جبران همه خسارات نباشند و طرح دعوا علیه مخترع اجتناب‌ناپذیر شود؛ به‌خصوص اینکه تولیدکنندگان ممکن است به دلایل مختلف ورشکسته نیز شده باشند یا منابع مالی لازم جهت پرداخت خسارت را نداشته باشند (Lloyd 2016: 497). برخی محققان خارجی همچنین استدلال کرده‌اند همان‌طور که صاحبان علائم تجاری موظف به کنترل و نظارت بر محصول تولیدی از سوی لیسانس‌گیرنده

یادشده تصمیم خود را مبنی بر ثبت یا عدم اختراع اتخاذ می‌کند.

۱. البته اگر مخترع عایدی خاصی از اختراع نداشته باشد نمی‌توان بر اساس قاعده مورد استناد در فقه و حقوق ایران مسئولیتی برای او مقرر کرد.

هستند صاحب حق اختراع نیز پس از واگذاری مجوز مکلف به نظارت و کنترل است. چون عموم مردم او را صاحب اختراع تصور می‌کنند (Schwartz 1988: 26). اما اطلاق این دیدگاه خالی از اشکال به نظر نمی‌رسد. زیرا نمی‌توان به طور قاطع گفت عموم مردم اختراع را کماکان متعلق به صاحب آن می‌دانند. در واقع، بین علامت تجاری که همه با آن سروکار دارند و اختراع که شاید خیلی از مردم مالک آن را نشناسند تفاوت وجود دارد. بنابراین، استدلال اخیر را می‌توان صرفاً در مورد اختراعات معروف و شناخته‌شده پذیرفت. به هر حال، صرف نظر از توضیحات و توجیهات یادشده، مخترع نیز یکی از اسباب ورود زیان ناشی از محصول است. اگرچه بعد از او اسباب نزدیک‌تری به زیان وارده وجود دارد، نقش اساسی و فعال مخترعان در ایجاد کالا یا محصول معیوب را نمی‌توان انکار کرد. در نتیجه طرف دعوا قرار گرفتن آن‌ها قابل پذیرش و دفاع است.

اعمال مسئولیت محض در ارتباط با مخترعان در کامن لا

در کامن لا دشوار بودن اثبات تقصیر در خسارات ناشی از عیوب اختراع و ضرورت حمایت از مصرف‌کننده، بهره‌مندی مخترع از منافع مادی ناشی از اختراع، الزام صاحبان علوم و فنون به بالا بردن دقت در طراحی و ارائه ایده‌های جدید به بازار، تولید و عرضه کالاها یا خدمات از دلایلی است که تمایل دادگاه‌ها را در به‌کارگیری و اعمال نظریه مسئولیت محض در ارتباط با مخترعان توجیه می‌کند (Krauss 2019: 148). البته در نظام حقوقی کامن لا تعمیم نظریه مسئولیت محض در ارتباط با مخترعان با ایرادات و اشکالات مختلف از سوی دادگاه‌ها و حقوقدانان مواجه شده است. مثلاً، در حقوق آمریکا، به موجب ماده ۴۰۲ اعلامیه سوم مسئولیت مدنی، شش شرط برای اعمال مسئولیت محض در نظر گرفته شده است: ۱. وجود کالا؛ ۲. کالا فروخته شده باشد؛ ۳. فروش کالا شغل معمولی فروشنده باشد؛ ۴. کالا معیوب باشد؛ ۵. کالا به صورت نامتعارف خطرناک باشد؛ ۶. کالا بدون تغییر اساسی به دست مصرف‌کننده رسیده باشد. در خصوص سرایت مسئولیت محض به مخترعان ایراد شده که شرایط مندرج در این ماده درباره عیوب اختراع فراهم نیست (Krauss 2019: 270). در ادامه به این ایرادات اشاره می‌شود.

دو شرط اول برای تحقق مسئولیت محض وجود کالا و قابلیت فروش آن است. مفهوم کالا غالباً مربوط به اشیای مادی و محسوس است؛ درحالی‌که حق اختراع در ارتباط با محصول غیرمحسوس است. بنابراین، این ایراد مطرح شده است که چون حق اختراع، که به واسطه آن می‌توان مخترع را مسئول دانست، غیرمادی است شرط اول و دوم برای اجرای مسئولیت فراهم نیست (Buss 2010: 324). در پاسخ به این ایراد گفته شده اولاً حق اختراع جزء اموال شخصی است و حق مالی برای مخترع ایجاد می‌کند و ثانیاً اگر اختراع مورد استفاده قرار گیرد و طبق آن محصولی تولید شود، با توجه به قابلیت فروش آن به صورت معوض، این شرط محقق می‌شود. به علاوه، دادگاه‌ها اجاره دادن اموال را نیز در محدوده مورد نظر ماده یادشده قرار داده‌اند و واگذاری مجوز بهره‌برداری را نوعی اجاره محسوب کرده‌اند. بنابراین، از آنجا که مجوز بهره‌برداری از اختراع قابل واگذاری است، شرط قابلیت فروش، که از شرایط اعمال مسئولیت محض است، نیز فراهم است (Kimball 1981: 816).

شرط دیگر آن است که فروش کالا شغل معمولی فروشنده باشد. در واقع، تولید اتفاقی کالا و فروش آن مشمول مقررات مسئولیت محض نمی‌شود. در مورد مخترعان، صرف‌نظر از فعالیت‌های ذهنی و فکری قبل از اختراع، هزینه و تلاش‌هایی برای ثبت اختراع صرف می‌شود که قابل توجه است. از سوی دیگر اثبات جدید بودن اختراع و تنظیم دقیق اظهارنامه و نقشه‌های آن همگی حاکی از آن است که مخترع باید وقت و هزینه‌های مالی فراوانی را در مدت چند سال برای کسب حمایت و بهره‌برداری از اختراع صرف کند. در نتیجه ثبت اختراع امری اتفاقی نیست و فعالیت‌های یادشده کاملاً شبیه فعالیت‌هایی است که تاجر جهت تولید و فروش کالا انجام می‌دهد. پس، این شرط نیز برای اعمال مسئولیت در مورد آنان فراهم است (Kimball 1981: 818). به نظر می‌رسد این استدلال کامل نیست. زیرا مثلاً اگر شخص صرفاً یک اختراع را ثبت کند نمی‌توان او را تاجر تلقی کرد. برای امکان اطلاق مورد اشاره لازم است شخص یادشده حداقل چندین اختراع ثبت کرده باشد.

اعمال شروط «معیوب بودن» و «به‌طور نامتعارف خطرناک بودن» نیز در مورد حق اختراع مشکل نیست. زیرا طبق ضوابط و مقرراتی که در نظام حقوقی اغلب کشورها حاکم است

خصوصیات خاص اختراع باید اعلام شود که شامل نحوه ساخت و استفاده از اختراع است. این شفاف‌سازی باید به گونه‌ای باشد که شخص متعارف در فناوری مربوط به اختراع بتواند، بدون دخالت مخترع، آن را بسازد و آماده بهره‌برداری کند. فرض بر آن است که اکثر تولیدکنندگان از اشخاصی که صلاحیت‌ها و توانایی‌های لازم را دارند استفاده می‌کنند. بنابراین، اگر نقشه‌ها و خصوصیات اختراع اجرا شود و بعد از اجرا عیب اختراع ظاهر شود، اختراع معیوب محسوب می‌شود؛ هرچند از نظر رسمی ثبت شده باشد. بنابراین، اثبات شرط یادشده نیز ممکن و قابل اجراست (Kimball 1981: 820).

آخرین شرطی که در ماده ۴۰۲ اعلامیه مسئولیت مدنی آمده این است که کالا بدون تغییر اساسی به دست مصرف‌کننده رسیده باشد. گاهی ممکن است در فرایند طراحی و اجرای نقشه‌ها تا تولید کالای نهایی، تغییرات اساسی در اختراع به وجود آید. روشن است که اگر در اختراع تغییرات اساسی داده شود، به نحوی که محصول نهایی قابل انتساب به مخترع نباشد، نمی‌توان او را مسئول قلمداد کرد. اما واقعیت این است که در بسیاری از موارد، گیرندگان مجوز بهره‌برداری از اختراع، صرفاً به دنبال اجرای خصوصیات مربوط به اختراع و بهره‌برداری از آن هستند. در نتیجه، اگر اختراع دارای عیب ذاتی باشد، به احتمال زیاد، این عیب تا پایان مرحله تولید کالا باقی می‌ماند و محصول نهایی نیز دارای عیب خواهد بود. بنابراین، این شرط نیز برای اعمال مسئولیت محض در ارتباط با مخترعان فراهم است (Kimball 1981: 821).

با وجود این، کسانی که موافق اعمال مسئولیت محض در رابطه با مخترعان هستند بر آن‌اند که این مسئولیت باید با احتیاط فراوان اعمال شود؛ به‌خصوص در مورد عیوبی که قابل پیش‌بینی یا اجتناب‌ناپذیرند. در واقع، اندکی بی‌احتیاطی در اعمال مسئولیت محض در ارتباط با مخترعان ممکن است موجب ورشکستگی آن‌ها شود. چون مخترعان، برخلاف تولیدکنندگان، سرمایه لازم را برای جبران خسارت یا بیمه کردن این‌گونه مسئولیت‌ها ندارند (Buss 2010: 322). در مقابل، اعمال محتاطانه مسئولیت محض در ارتباط با مخترعان موجب شکوفایی و رونق ارائه ایده‌ها و نظریات جدید می‌شود. زیرا وجود مسئولیت باعث می‌شود مخترعان اختراعات ایمن‌تر و مفیدتری ارائه کنند. البته برقراری مسئولیت محض در ارتباط با صاحبان آثار فکری همواره باید با رعایت

مصالح و منافع جامعه همراه باشد؛ به نحوی که ایجاد مسئولیت موجب عدم ترغیب سایر مخترعان در ارائه ابداعات و دستاوردهای جدید از بیم مسئولیت احتمالی نشود (Kimball 1981: 828).

اعمال مسئولیت محض در ارتباط با مخترعان در حقوق ایران

در حقوق ایران، حکم قانونی در رابطه با مسئولیت مدنی ناشی از عیب اختراع و مبنای آن وجود ندارد. اما به نظر می‌رسد بتوان این موضوع را در قالب مسئولیت مدنی ناشی از عیب کالا بررسی کرد؛ هرچند در خصوص مبنای مسئولیت مدنی ناشی از عیب کالا نیز اتفاق نظر وجود ندارد. برخی، برای یافتن مبنای اخیر، به ماده ۱۸ قانون حمایت از حقوق مصرف‌کنندگان، مصوب ۱۳۸۸، استناد کرده‌اند. این ماده مقرر داشته «چنانچه کالا یا خدمات عرضه‌شده توسط عرضه‌کنندگان کالا یا خدمات معیوب باشد و به واسطه آن عیب خساراتی به مصرف‌کننده وارد گردد، متخلف علاوه بر جبران خسارات به پرداخت جزای نقدی حداکثر تا معادل چهار برابر خسارت محکوم خواهد شد». به موجب این دیدگاه، قانون‌گذار، با تصویب این ماده، درباره عیوب ناشی از تولید، مسئولیت بدون تقصیر (مسئولیت محض) را پذیرفته است (عبدی پور ۱۳۹۰: ۲۸). اما برخی حقوقدانان بر آن‌اند که قانون‌گذار در ماده یادشده از عنوان متخلف استفاده کرده و از این ظاهر چنین برمی‌آید که باید تقصیر عرضه‌کننده به اثبات برسد (صفایی ۱۳۹۲: ۳۱۳). زیرا به‌کارگیری واژه‌هایی نظیر «متخلف» ذهن را بیشتر به سمت مسئولیت مبتنی بر تقصیر سوق می‌دهد (نقیبی ۱۳۹۷: ۶۳). مبنای این دیدگاه یکسان دانستن مفهوم «متخلف» و «مقصر» است؛ حال آنکه انطباق مفهوم دو واژه یادشده محل بحث است.

برخی حقوقدانان، با استناد به لزوم محسوس بودن شیء یا کالا برای اعمال مسئولیت محض، اعمال این مسئولیت را در مورد صاحبان آثار فکری منتفی دانسته‌اند (کاتوزیان ۱۳۸۴: ۹۵). جالب آنکه در همین مورد اعمال مسئولیت مبتنی بر تقصیر را پذیرفتنی تلقی کرده‌اند (کاتوزیان ۱۳۸۴: ۹۴). این دیدگاه قابل نقد به نظر می‌رسد. زیرا اگر عیب موجود در شیء نامحسوس نتواند موجب مسئولیت محض شود، تفاوتی بین وجود تقصیر یا عدم آن نیست. در واقع، اگر علت عدم احراز مسئولیت محض غیر مادی بودن محصول باشد، برای اعمال مسئولیت با تقصیر نیز این اشکال پابرجاست. پس، وقتی رابطه سببیت بین عیب محصول و ضرر احراز شده، تفاوتی بین وجود یا عدم تقصیر به نظر نمی‌رسد.

در این میان، برخی محققان به منظور تقویت دیدگاه عدم اعمال مسئولیت محض در قانون حمایت از مصرف‌کنندگان، مصوب ۱۳۸۸، به ماده ۲ این قانون استناد کرده‌اند (بادینی ۱۳۹۵: ۵۲۴). به موجب ماده یادشده «کلیه عرضه‌کنندگان کالا و خدمات، منفرداً یا مشترکاً، مسئول صحت و سلامت کالا و خدمات عرضه‌شده مطابق با ضوابط و شرایط مندرج در قوانین و یا مندرجات قرارداد مربوطه یا عرف در معاملات هستند...». بر اساس این دیدگاه، قید «مطابق با ضوابط و شرایط مندرج در قوانین یا مندرجات قرارداد مربوطه یا عرف در معاملات» نشان می‌دهد این قانون در خصوص مبنای مسئولیت عرضه‌کننده کالاها و خدمات حکم جدیدی ندارد و این موضوع را به سایر قوانین و قرارداد و عرف ارجاع داده است (بادینی ۱۳۹۵: ۵۲۵). این استدلال چند ایراد دارد. اولاً اگر هدف قانون یادشده ایجاد مبنای جدیدی برای مسئولیت ناشی از عیب کالا نبوده، پس فلسفه تصویب آن چیست؟ ثانیاً استناد به ماده ۲ قانون یادشده برای اثبات لزوم احراز تقصیر کافی به نظر نمی‌رسد. زیرا می‌توان گفت عبارت «مطابقت با ضوابط و شرایط مندرج در قوانین و یا مندرجات قرارداد مربوطه یا عرف در معاملات» که در ماده یادشده قید شده است مربوط به «کالا و خدمات عرضه‌شده» است نه واژه «مسئول». ثالثاً کلمه «متخلف» در ماده ۱۸ قانون، که صراحت بیشتری در این خصوص دارد، را می‌توان به «مسئول» تعبیر کرد نه «مقصر». بدین ترتیب، در حقوق ایران نمی‌توان با قاطعیت به عدم امکان اعمال نظام مبتنی بر مسئولیت محض درباره عیوب کالا و همچنین عیوب اختراع نظر داد؛ بلکه به نظر می‌رسد با توجه به دشواری اثبات تقصیر در این موضوعات اعمال مسئولیت محض و بدون تقصیر در مورد اختراعات و موارد مشابه ترجیح دارد.

گفتنی است در نظام حقوقی ایران نظریه قابلیت انتساب با نظریه مسئولیت محض قابل مقایسه و معادل‌سازی است. در حقیقت، طبق نظریه قابلیت انتساب، احراز رابطه سببیت عرفی برای انتساب زیان و الزام به جبران خسارت کفایت می‌کند و حتی لزوم اثبات تقصیر در برخی موارد مصرح قانونی نیز صرفاً هم‌سو با احراز رابطه سببیت و قابلیت انتساب است. این نظریه عام است و غیر از ضمانت‌یاد در همه موارد مسئولیت مدنی و ضمانت‌قابل اجراست (انصاری ۱۳۹۰: ۴). برخی حقوقدانان نیز به صراحت مبنای مسئولیت در قانون مدنی را نظریه قابلیت انتساب دانسته‌اند. به موجب این دیدگاه «اساس مباحث ضمانات در قانون مدنی ما بر صرف انتساب اضرار به فاعل

نهاده شده است؛ خواه عمد و بی‌احتیاطی و غفلت از او سر زده باشد یا نه. این ضابطه دقیق‌تر از ضوابط اروپایی است و در زندگی ماشینی و پرمخاطره عصر ما متناسب‌تر است.» (جعفری لنگرودی ۱۳۷۸: ۴۳۱). بدین ترتیب ملاحظه می‌شود که اعمال مسئولیت محض یا بدون تقصیر در حقوق ایران نیز تحت عناوین دیگر، مانند نظریه قابلیت استناد و خطای محض، پذیرفته شده و می‌توان آن را برای جبران خسارات ناشی از عیوب اختراع به شرح آتی پذیرفت.

در فقه امامیه، فصلی به مبانی مسئولیت مدنی اختصاص نیافته است؛ بلکه فقها این موضوع را در قالب ادله و قواعد فقهی مطرح کرده‌اند. یکی از ادله مهم مسئولیت قاعده تسبیب است. در جایی که شخص به طور غیرمستقیم و با واسطه، عمدی یا غیرعمدی، موجب تلف مال یا نفس دیگری می‌شود، از آن به «تسبیب» یاد می‌شود. همین وضعیت در مورد مخترع نیز وجود دارد. زیرا مخترع به واسطه اختراعی که زمینه‌ساز تولید کالا بوده، غیرمستقیم و با واسطه، موجب ضرر دیگری شده است. تسبیب مأخوذ از سبب است. کلمه سبب در تسبیب به مفهوم دقیق خود به کار نرفته است. زیرا، در اصطلاح، سبب عبارت از امری است که از وجودش وجود و از عدمش عدم لازم آید (نجفی ۱۳۶۸: ۵۱). این در حالی است که سبب در تسبیب الزاماً موجب خسارت نیست؛ بلکه عادتاً زمینه تلف را فراهم می‌سازد.

ملاحظه اجمالی مصادیق بروز زیان ناشی از عیوب اختراع این را به ذهن متبادر می‌کند که در بسیاری از موارد استناد به قاعده تسبیب مناسب‌ترین راه ممکن برای اثبات مسئولیت است و این قاعده به واسطه اطلاق و عمومی که دارد توانایی و ظرفیت لازم برای صدور حکم به جبران زیان‌های ناشی از عیوب اختراع را دارد و می‌توان آن را یکی از ادله مناسب برای پذیرش مسئولیت مخترعان دانست. با این حال، بررسی دقیق‌تر نشان می‌دهد باید میان دو فرض تفکیک کرد. اگر میان اختراع و زیان وارده اراده فاعل مختار آگاه فاصله انداخته باشد، زیان به فعل فاعل مختار آگاه منتسب می‌شود نه مخترع. اما در فرضی که زیان به فعل فاعل مختار آگاه منتسب نمی‌شود، این فرض در واقع به موضوع انتخاب میان سبب و مباشر و اقوی بودن سبب از مباشر بازمی‌گردد. به عبارت دیگر، اگر مخترع به عنوان سبب اقوی از مباشر تلقی شود، ضامن خواهد بود. البته در فرض اخیر اقوی بودن سبب نسبت به مباشر به دلیل غرور است. بنابراین به نظر

می‌رسد این فرض در نهایت به قاعده غرور بازمی‌گردد و خود قاعده تسبیب به منزله یک قاعده مستقل برای حکم به مسئولیت ناشی از عیوب اختراعات کفایت نخواهد کرد؛ مضافاً اینکه در مستقل بودن قاعده تسبیب از قاعده اتلاف میان فقهای امامیه اتفاق نظر وجود ندارد.

قاعده دیگری که در مورد مسئولیت محض ناشی از عیوب اختراع می‌توان به آن استناد کرد قاعده غرور است. طبق این قاعده هرگاه از شخصی عملی سرزند که باعث فریب خوردن شخص دیگری شود و از این رهگذر ضرر و زیانی به او برسد، شخص نخست ضامن است و باید از عهده خسارت وارده برآید. شخص اول را غار (فریب‌دهنده) و شخص دوم را مغرور می‌گویند (مکارم شیرازی ۱۴۱۱: ۲۹۳). همان‌طور که از تعریف نیز برمی‌آید، لازم نیست که غار در زمینه عملی که انجام می‌دهد و موجب فریب دیگری می‌شود آگاهی داشته باشد. فقها، بر اساس روایات، مثال مشهوری بیان می‌کنند و آن این است که ممکن است طبیب به تصور اینکه دارویی برای بیمار مفید است آن دارو را برای بیمار تجویز کند؛ اما دارو به واسطه مزاج خاص بیمار موجب تشدید بیماری یا مرگ او شود. در اینجا اکثر فقها طبیب را ضامن می‌دانند و جهل او به موضوع را مانع مسئولیت او نمی‌دانند (لطفی ۱۳۷۹: ۷۵). در اعمال این قاعده در ارتباط با مخترعان به نظر می‌رسد ایراد و اشکالی وجود ندارد. زیرا در مصادیق مختلف واگذاری حق اختراع یا اجازه بهره‌برداری از آن یا تولید مستقیم آن توسط خود مخترع قاعده غرور قابل اجراست. توضیح آنکه وقتی اختراع دارای عیبی است که به طور بالقوه می‌تواند موجب بروز ضرر و زیان جانی یا مالی مصرف‌کننده شود مخترع غار محسوب می‌شود و حتی ناآگاهی او نیز مانع اعمال مسئولیت او نمی‌شود. البته برخی فقها علم غار را شرط مسئولیت او می‌دانند؛ اما اکثر فقها و قانون مجازات اسلامی به موجب تبصره ماده ۴۹۶ نظریه اخیر را قبول کرده‌اند (لطفی ۱۳۷۹: ۸۱).

در کنار ادله فقهی یادشده در زمینه احراز مسئولیت محض مخترعان به نظر می‌رسد قاعده «الخراج بالضمنان» نیز، البته با تفسیری که از آن ارائه خواهد شد، در این زمینه قابل استناد باشد. قاعده «الخراج بالضمنان» با همین عبارت از نبی اکرم^(ص) نقل و در فقه عامه و امامیه بر اساس آن فتوا صادر شده است. گفتنی است در فقه امامیه و نوشته‌های حقوقی ایران قاعده «من له الغنم فعلیه الغرم»، که مشابه با قاعده یادشده است، بیشتر مورد استناد و توجه قرار گرفته است (خردمندی ۱۳۹۷: ۳۰؛ علوی قزوینی ۱۳۹۳: ۷۷). البته تفاسیر و احتمالات متعددی در معنا و

مجرای قاعده یادشده در فقه عامه و فقه امامیه بیان شده و فقها غالباً این قاعده را در ضمان جعلی (قراردادی) و به‌ویژه در بحث خیارات مورد استناد قرار داده‌اند (کریمی ۱۳۹۷: ۲۴۰). لیکن برداشت اخیر ناشی از قرار دادن واژه «ضمان» در جایگاه مصدری است که موجب محدود شدن کاربرد قاعده می‌شود؛ درحالی‌که اگر ضمان در معنای اسم مصدری قرار گیرد، با قاعده «من له الغنم فعلیه الغرم» یکسان می‌شود و شامل ضمان قراردادی و غیرقراردادی می‌شود (کریمی ۱۳۹۷: ۲۵۹). برخی فقهای امامیه نیز این تفسیر از قاعده یادشده را صحیح دانسته و قبول کرده‌اند (المصطفوی ۱۳۹۰ ق: ۲۸۴). طبق این تفسیر، قاعده یادشده دلالت بر آن دارد که هرگاه شخصی مرتکب عملی شود یا شرایطی را فراهم کند که با خطر همراه باشد، در صورت بروز زیان، مسئول جبران خسارات وارده است. توضیح اینکه طبق این نظر این قاعده عکس قاعده «من له الغنم فعلیه الغرم» است؛ یعنی هرگاه شخصی از امری زبانی ببیند حق دارد از منافع آن بهره‌مند شود. به نظر می‌رسد مطابق تفسیر ارائه‌شده می‌توان مسئولیت اختراع معیوب را با این قاعده توجیه کرد. با این تفسیر، مدلول روایت الخراج بالضمن دلالت بر نظریه خطر دارد که صرف انتساب ضرر به فعل خواننده را، بدون لزوم اثبات تقصیر، در صورت انتفاع موجب مسئولیت او می‌داند.

با عنایت به آنچه آمد، نظر به اینکه مخترعان در ازای واگذاری حق اختراع یا اعطای مجوز بهره‌برداری از آن و همچنین در جایی که شخصاً مبادرت به تولید و عرضه ابداع خود می‌کنند منافع مالی دریافت می‌کنند، در صورتی که بر اثر عمل مورد اشاره خسارتی به بار آید، طبق قاعده یادشده، مسئولیت جبران خسارت بر عهده شخصی است که از آن عمل منتفع شده است. بنابراین با استناد به قاعده الخراج بالضمن یا قواعد مشابه آن می‌توان بار مسئولیت را بدون نیاز به اثبات تقصیر بر عهده مخترع نیز دانست.

نتیجه

در نظام حقوقی کامن‌لا، تعمیم نظریه مسئولیت محض در ارتباط با مخترعان با ایرادات و اشکالات مختلف از سوی دادگاه‌ها و حقوقدانان مواجه شد. به تدریج و با تصویب اعلامیه سوم مسئولیت مدنی در ایالات متحده آمریکا و قانون حمایت از مصرف‌کنندگان در انگلستان موانع اعمال نظریه یادشده در ارتباط با مخترعان برداشته شد. در نتیجه اعمال نظریه مورد اشاره در کامن‌لا با انتقاد

جدی روبرو نیست و احکام متعددی در رابطه با مسئولیت مخترعان در دادگاه‌های امریکا صادر شده است. در حقوق ایران، صرف‌نظر از ایراداتی که به قانون حمایت از حقوق مصرف‌کنندگان وارد است، با توجه به نظریه قابلیت انتساب و برخی ادله فقهی، مسئولیت بدون تقصیر یا مسئولیت محض در ارتباط با مخترعان پذیرفتنی است. از سوی دیگر، نظر به اینکه مخترعان در ازای واگذاری حق اختراع یا اعطای مجوز بهره‌برداری از آن و همچنین در جایی که شخصاً مبادرت به تولید و عرضه ابداع خود می‌کنند منافع مالی دریافت می‌کنند، در صورتی که بر اثر به‌کارگیری اختراع خسارتی به بار آید، طبق قاعده «من له الغنم فعيله الغرم»، مسئولیت جبران خسارت را می‌توان به مخترعان تحمیل کرد و به استناد قواعد یادشده بار مسئولیت را بدون نیاز به اثبات تقصیر بر عهده آن‌ها گذاشت. البته نحوه و میزان توسعه نظریه مسئولیت محض به مخترعان در سیاست‌های کلان نظام حقوق مالکیت فکری به تأمل و دقت بیشتری نیاز دارد. زیرا اندکی بی‌دقتی در این حوزه ممکن است روند نوآوری و ابداع در جامعه را به دنبال داشته باشد.

منابع

- بادینی، حسن (۱۳۹۸). «نقدی بر مبنای مسئولیت مدنی عرضه‌کنندگان کالا و خدمات در قانون حمایت از حقوق مصرف‌کنندگان»، تحقیقات حقوقی، ش ۵۸، صص ۵۱۱ - ۵۵۴.
- جعفری لنگرودی، محمدجعفر (۱۳۷۸). مبسوط در ترمینولوژی حقوق، تهران، کتابخانه گنج دانش، ج ۱.
- حکمت‌نیا، محمود؛ مرتضی محمدی؛ محسن واثقی (۱۳۹۸). «مسئولیت مدنی ناشی از تولید ربات‌های مبتنی بر هوش مصنوعی خودمختار»، حقوق اسلامی، س ۱۶، صص ۲۳۱ - ۲۵۸.
- خردمندی، سعید (۱۳۹۷). «مفاد قاعده الخراج بالضمن»، فقه مقارن، س ۶، ش ۱۱، صص ۲۹ - ۵۸.
- خزائی، سید علی (۱۳۹۵). «مسئولیت پیش‌قراردادی؛ شرایط تحقق و زیان‌های قابل جبران»، حقوق اسلامی، ش ۴۳، صص ۱۰۵ - ۱۲۷.
- رجبی، عبدالله (۱۳۹۸). «ضمن در هوش مصنوعی»، مطالعات حقوق تطبیقی، د ۱۰، ش ۲، صص ۴۴۹ - ۴۶۶.
- رهنمون، رئوف؛ اسعد شیخ‌الاسلامی (۱۳۹۰). «حمایت از حقوق مصرف‌کنندگان در فقه شافعیان و امامیه»، فقه و مبانی حقوق اسلامی، س ۴۴، صص ۷۷ - ۹۷.
- ساعی، سید محمدهادی؛ مریم ثقفی (۱۳۹۳). «مسئولیت مدنی لیسانس‌دهنده و لیسانس‌گیرنده در قبال شخص ثالث»، پژوهش‌نامه اندیشه‌های حقوقی، س ۲، ش ۱، ش پیاپی ۴، صص ۱۱ - ۲۶.
- شهیدی، مهدی (۱۳۸۴). عقود معین ۱، چ ۳، تهران، مجد.
- طباطبایی حکیم، سید محسن (۱۴۲۳ ق). نهج الفقاهه، قم، انتشارات ۲۲ بهمن، ج ۱.
- عبده بروجردی، محمد (۱۳۸۰). حقوق مدنی، تهران، خرسندی.
- علوی قزوینی، سید علی؛ سید ذبیح‌الله مسعودیان‌زاده (۱۳۹۳). «قاعده من له الغنم فعلیه الغرم»، پژوهش‌نامه اندیشه‌های حقوقی، ش ۴، صص ۷۵ - ۹۱.
- کاتوزیان، ناصر (۱۳۹۰). مسئولیت ناشی از عیب تولید، چ ۳، تهران، انتشارات دانشگاه تهران.
- کاشف‌الغطاء، محمدحسین (۱۳۵۹ ق). تحریرالمجله، مکتبه النجاح و مکتبه فیروزآبادی، ج ۳.
- کریمی، عباس؛ الهام صادقی‌راد؛ ابراهیم تقی‌زاده (۱۳۹۷). «تلاشی در راستای تبیین قاعده ملازمه نفع - مخاطره و جایگاه آن در ضمان قهری شرعی»، مطالعات حقوقی، ش ۱، د ۱۰، صص ۲۳۷ - ۲۷۲.

- لطفی، اسدالله (۱۳۷۹). «قاعده غرور»، مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران، د ۴۷، ش پایبی ۷۷۷، صص ۵۹ - ۹۰.
- _____ (۱۳۹۱). «قاعده وجوب دفع ضرر محتمل و کاربرد آن در قانون آیین دادرسی مدنی»، دیدگاه‌های حقوقی، ش ۵۹، صص ۲۰۵ - ۲۳۴.
- مصطفوی، سید کاظم (۱۳۹۰ ق). *ماه القاعده الفقیه*، مترجم: عزیزالله فهیمی، تهران، میزان.
- معین، محمد (۱۳۷۸). *فرهنگ معین*، تهران، امیرکبیر.
- مکارم شیرازی، ناصر (۱۴۱۱ ق). *القواعد الفقیه*، قم، مدرسه الامام امیرالمؤمنین^(ع).
- نجفی، محمدحسن (۱۳۶۵). *جواهر الکلام فی شرح شرایع الاسلام*، دار الکتب الاسلامیه، ج ۲۳.
- _____ (۱۳۶۸). *جواهر الکلام فی شرح شرایع الاسلام*، دار الکتب الاسلامیه، ج ۳۷.
- نقیبی، سید ابوالقاسم (۱۳۹۷). «بررسی روند تکامل مسئولیت مدنی تولیدکنندگان و عرضه‌کنندگان کالا در حقوق انگلیس و مقایسه آن با حقوق ایران»، *دانش حقوق مالیه*، س ۱، ش ۴، صص ۵۱ - ۶۷.
- وحدتی شبیری، سید حسن (۱۳۸۵). *مبانی مسئولیت مدنی قراردادی (مطالعه تطبیقی در حقوق و فقه)*، تهران، انتشارات پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی.

References

- Abdoh Boroujerdi, M. (2001). *Civil Law*, Tehran, Khorsandi Publications, Vol 1. (in Persian)
- Alavi Qazvini, S. A. & Masoudianzadeh, S. Z. (2014). “ uæ ff aa aæohhhmnm yyyyyyyghorm”, *Research Institute of Legal Thoughts*, Vol. 4, pp. 75-91. (in Persian)
- Badini, H. (2019). “Critique on the basis of civil liability of suppliers of goods and services in the Consumer Protection Law”, *Journal of Legal Research*, Vol. 58, pp. 511-554. (in Persian)
- 2211) oooauutt aaaiiii yy ddd nrædlttt rr ppyyyycccoooo,,, *William Mitchell law Review*, Vol. 27, Article 28, pp. 299-330.
- Cowan, D. H. (1982). rrrr Liability of Patentee Licensors 44 .. oo" 77 pp. 87-101.
- Lloyd, D. (1951). iii iiiii ii yy nn Known to the Inventee *Modern Law Review*, Vol. 14, pp. 496-499.
- Franklyn, D. J. (1999). *The Apparent Manufacturer Doctrine: Trademark Licensors and Third Restatement of Torts*, Case Western Reserve Law Review, Vol. 49, pp. 671-729.
- Giblin, R. (2011). *Code Wars, 10 years of P2P Software Litigation*, UK, Elgar Publishing.
- Hekmat Nia, M., Mohammadi, M., & Vaseghi, M. (2019). “Civil liability arising from the production of robots based on autonomous artificial intelligence”, *Islamic Law journal*, Vol. 16, pp. 231-258. (in Persian)

- (in Persian)
- Rajabi, A. (2019). "Guarantee in Artificial Intelligence", *Comparative Law Studies*, Vol. 10, No. 2, pp. 449- 466. (in Persian)
- Reutiman, J.L. (2012). "Defective Information: Should Information Be a Product Subject to Products Liability Claims" *Cornell Journal of Law and Public Policy*, Vol. 22, Issue 1, pp. 181-203.
- Saei, S. M. H. & Saghafi, M. (2014). "Civil Liability of Licensors and Licensors to Third Parties", *Quarterly Journal of Legal Thought Research*, Second Year, Vol. 1, No. 4, pp. 11-26. (in Persian)
- Schwartz, A. (1988). *Patents Contingency Fees and United States Products Liability*, Law PAT. World.
- Shahidi, M. (2005). *Certain Contracts 1*, Ch. 3, Tehran, Majd Publications. (in Persian)
- Simmons, K. W. (2009). *aaæm ddddf rrr ddd dddttnnl tttt taaiiii yy bbb ss aa iinnll ddddldbo tt Boston University, School of Law Working Paper.*
- Stein ((0088..ooocnnmmro,,,,,,), *Michigan Law Review*, Vol. 107.
- Tabatabai-Hakim, S. M. (2002). *Nahjol'feghaha*, Qom, 22 Bahman Publication, Vol. 1. (in Arabic)
- Trevelyan, L. (2021). *ooocutt aaaiiii yy ddd nnn uum rr tttt tt* online at: <https://www.inbrief.co.uk>, last visited 19 June 2021.
- Vahdati Shobeiri, S. H. (2006). *Principles of Contractual Civil Liability (Comparative Study in Law and Jurisprudence)*, Tehran, Research Institute of Islamic Sciences and Culture. (in Persian)
- Weber, L. A. (1992). *yy ee: pp aaaaann ff cccerr dd iiii ii mmmuee oorr rrSt. John's law Review*, Vol. 66, Issue 2, Article 7, pp. 469-485.